

یکی از مباحثی که باید در ماهنامه تحقیقی گوهر از این پس مورد توجه قرار گیرد مسائل جغرافیائیست که باید همدوش فضایی تاریخی پیش رود. و از محققان و جغرافی دانان خواستاریم که در این قسمت ما را یاری دهند.



پریم (فریم)

بایخت کوهستانی

آل قارن (قارنیان) و آل باوند (باوندیان)

(۲)

در مورد استقرار دولت باوندیان در نقاط کوهستانی در طبرستان ، بطوریکه در تواریخ طبرستان آمده است .

بعد از کشته شدن کیوس (کاوس) ، خسرو نوشیروان پسر او را که شاپور نام داشت در مداین نزد خود نگاهداشت و نقاط کوهستانی طبرستان را به ترتیبی که گذشت به قارن (کارن پهلوی) سپرد . بعد از مرگ انوشیروان ، یعنی در دوره سلطنت فرزندش هرمز ، شاپور فرزند کیوس (کاوس) مرد . از شاپور فرزندی بنام (باو) باقی ماند باو ، در زمان خسرو پرویز و در جنگهای وی با بهرام چوبینه ، دلاوریهای نمایان کرد ، از آنرو خسرو پرویز حکومت ولایات اصطخر و آذربایجان و عراق و طبرستان را به او وا گذاشت و سپس بامپاهی عظیم به خراسان و خوارزم گسیل داشت و بقول ابن اسفندیار : « جمله ترکستان تا بایان تبار او را مسلم شد »^۱

این سردار لائق در جریان آشننگی اوضاع عمومی او اخرد دولت ساسانیان به طبرستان رفت و در آتشگاه کوسان واقع در کوهستانهای جنوبی طبرستان به استراحت و عبادت

* آقای عبدالرفیع حقیقت (رفیع) از تاریخ نویسان محقق معاصر

مشغول گردید. و از دخالت در امور کشوری و لشکری به خصوص در دوره سلطنت آذر میبدخت خودداری کرد تا حکومت به یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی رسید. در این هنگام به یاران یزدگرد پیوست و بعد از شکست لشکر ایران در جنگهای قادسیه و جملولونهاوند ناگزیر از نو ب طبرستان رفت و مانند گذشته در مجاورت آتشگاه کوسان که جدش کیوس (کاوس) بنیاد نهاده بود بعبادت پرداخت پس از کشته شدن یزدگرد سوم و تسلط تازیان بر ایران، فشار سپاه عرب برای تصرف سرزمین کوهستانی طبرستان از یکسو و تعدی و تجاوز ترکان از طرف خراسان از سوئی دیگر، مردم طبرستان که با وجود ضعف فرمانروایان محلی وضع خود را در این هنگام سخت آشفته و نابسامان می دیدند، ب فکر انتخاب فرماندهی لائق و کاردان برآمدند. چون باو را بیش از دیگران شایسته این کار میدانستند دست توسل بجانب او دراز کردند و از وی خواستند که حکومت و سلطنت نواحی مختلف طبرستان را بپذیرد. در نتیجه این اصرار وی بدان شرط قبول کرد که: «مردان ولایت و زنان ببندگی او را خط دهند و حکم بر اموال ایشان و دماء نافذ باشد، بدین عهد از آتشکده بیرون آمد و ولایت از دشمنان پاک کرد». بطوریکه نوشته اند: باو مدت ۱۵ سال یعنی از ۴۵ تا ۶۰ هجری در نواحی کوهستانی طبرستان سلطنت کرد تا اینکه ولایتش نامی در قصبه شارماد یا چارمان خشتی بر پشت اوزد و بر اثر آن به هلاکت رسید. باوندیان تا سال ۷۵۰ هجری، در سه دوره و با فترتی کوتاه، در فواصل دوره های اول و دوم و سوم بانام باوندیان کیوسی، باوندیان اسپهبدی، باوندیان کینه خواری، بر طبرستان فرمان راندند و مرکز حکومت یا پایتخت آنان بیشتر در پریم (فریم) بوده است. دوره اول از ابتدای تسلط بسا و در سال ۴۵ هجری تا قتل اسپهبد شهریار سال ۳۹۷ هجری بدست قابوس بن وشمگیر بمدت ۳۵۲ سال. دوره دوم، از سال ۴۶۴ هجری باقیام اسپهبد حسام الدوله شهریار آل باوند تا قتل شمس الملوک شاه غازی در سال ۶۰۶ یعنی بمدت ۱۴۰ سال. دوره سوم، از حکمرانی حسام الدوله اردشیر، پسر شهریار پسر کینه خوار پسر دارا پسر شهریار در سال ۶۳۵ هجری تا قتل فخر الدوله حسن پسر شاه کیه خسرو آخرین پادشاه باوندی بدست پسران افراسیاب چلابی بسال ۷۵۰ هجری بمدت ۱۲۵ سال و با این واقع دوران حکومت دودمان آل باوند (باوندیان) پایان رسید.

در اینجا مطلب قابل ذکر اینست که در قرن های دوم و سوم هجری از قدرت نفوذ دولت آل باوند (باوندیان طبرستان) بر اثر فتنه انگیزی و کارشکنی عمال مزدور خلفای عباسی کاسته شد، و آنان بناگزر با آل قارن متحد شدند و برای مقابله با فرمانروایان عرب قدرتی قابل توجه یافتند و در نتیجه خلفا ناچار شدند با آنان مدارا کنند و به گرفتن خراج سالانه قانع شوند. پس از تسلط علویان بر طبرستان^۲ به سبب علاقه ای که غالب

امیران علوی به تشیع (زیدیه) داشتند ، رابطه ملوک طبرستان با بغداد بکلی قطع شد و چون سادات مذکور ضعیف شدند . امیران دیلم که در خدمت سادات نام و نشانی یافته بودند ، قدرت را در دست گرفتند و پادشاهان جزء طبرستان ناگزیر با آنان در مجامله در آمدند . در عهد قدرت زیاریان ، بازماندگان امرای جبال با قبول اطاعت در قلمرو خود (کوهستان جنوبی مازندران) باقی ماندند . پس از ضعف زیاریان و تسلط سلجوقیان ، امرای کوهستان دوباره بر نواحی مختلف مسلط گشتند ، از میان خاندانهای مختلف قدیم که از جبال قارن تارویان امارت داشتند ، آل باوند از همه قویتر بودند . در سال ۵۹۸ هجری ، لشکریان تکش خوارزمشاه بر مازندران مسلط شدند و باوندیان و امیران دیگر مطیع آنان گردیدند و پس از حمله «مغول هم به ترتیبی که اشارت رفت چند گاهی مورد تاخت و تاز آن قوم بودند ، تا سرانجام در سال ۷۵۰ هجری منقرض شدند .

بطوریکه آقای چراغعلی اعظمی سنگسری نوشته است ^۲ از پادشاهان آل باوند (باوندیان) سکه‌هایی از زر (دینار) و سیم (درهم) بدست آمده و در مجموعه سکه‌های موجود در دنیا جای دارد از حمله سکه‌ای از رستم بن شروین است که در اولین سال حکومت او (۳۵۳ هجری) در فریم بر سیم ضرب شده و عبارت پشت آن بدین شرح است :

(الله-محمد رسول الله- علی ولی الله) نیز از شهریار بن دارا، سکه‌ای در آکسفورد انگلستان موجود است که در سال ۳۷۶ هجری در فریم ضرب شده است . آقای چراغعلی اعظمی نیز سکه‌ای از شهریار بن دارا در اختیار دارد .

بطور کلی جای ضرب سکه‌های زر باوندیان (سارویه) یا ساری فعلی و محل ضرب سکه‌های سیم آنان، فریم (پریم) بوده است.

خرابی و انهدام شهر تاریخی پریم (فریم) در اوایل قرن ششم هجری

این اسفندبار در قسم سوم تاریخ طبرستان، در ضمن بیان واقعه فوت خاتون سلجوقی همسر اسپهبد علاءالدوله علی باوندی مینویسد : «در آن سال ، در طبرستان زلزله بادید آمد . در نواحی شهریارکوه زلزله عظیم بود ، شهر فریم فرو شده رستاق کنیم وزارت تمامت آنچه بالای آسیا اوست جمله خراب شد و دیدهی بود دولیت نام از جای بر آمد و با آن سوی جوی شد، خرابی تمام در شهریار کوه پدید آمد» ^۴

این واقعه در سال ۵۱۵ هجری اتفاق افتاده است . و چنین استنباط میشود که از این تاریخ به بعد مرکز حکومت و پایتخت دولت آل باوند به محلی دیگر منتقل شده و نام پریم یا فریم بر آن منطقه که در جنوب ساری و شمال شه میرزاد سمنان قرار دارد و جزء دودانگه هزار جریب می باشد تاکنون باقی مانده است .

درفرهنگ جغرافیائی ایران درباره فریم اینطور آمده است:

فریم: یکی از دهستانهای بخش دودانگه شهرستان ساری (مازندران) تقریباً ۶۰ کیلومتری جنوب ساری و ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی پل سفید، محصور به کوههای جنگلی و در دشت واقع است. هوای دهستان مرطوب و معتدل و محصول آن برنج است حدود ۴۸۰۰ تن سکنه دارد دشت فریم بطول تقریبی ۱۵ و عرض ۳ تا ۶ کیلو متر در ارتفاع ۱۰۰۰ متری واقع است و از رودهای شیرین رود، عروس و داماد، اشک و چشمه سارهای متعدد مشروب میشود.

این منطقه که جزء بخشهای دودانگه هزارگریب مازندران می باشد از شمال به ساری و از مشرق به دامغان و از جنوب به سمنان و از مغرب به فیروزکوه و سوادکوه محدود است.

و بطور تقریب پانزده فرسنگ در هیچجاده فرسنگ وسعت آن است. در این محدوده دهکدههای معمور و متخروب بسیار است. خرابدهای شهر تاریخی پریم (فریم) که دارای حصاری از آجر بوده در کنار رودخانه اشک از شعبدهای رود تبجن واقع است و تاشه پیرزاد سنان (شهمار) چهار فرسنگ فاصله دارد.

۱ - تاریخ طبرستان صفحه ۱۵۲

۲ - برای اطلاع بیشتر در این مورد به تاریخ نهضت‌های ملی ایران (از جمله تازیان تا ظهور صفاریان) تألیف (رفیع) مراجعه شود.

۳ - مقاله فریم پایگاه اسپهبدان باوندی کجاست؟ در مجله بررسیهای تاریخی سال هفتم شماره یک.

۴ - تاریخ طبرستان تألیف ابن اسفندیار قسم سوم صفحه ۷۵

قلتبان؟ قلتبانی

از این زندگی ترس، کاینک درآنی!
اسیر از عسوان و امیر از عوانسی،
و سگر قلتبانیست، از قلتبانی .
حکیم سنائی غزنوی قرن هشتم

از این مرگ صورت، نگر! تا نترسی،
کزین مرگ صورت، همی رسته کردد،
اگر قلتبانیست، از قلتبانیان،